

کسی که عاشق شود و عشق وجود او را فرا گیرد، از حرص و حریص بودن که در ابیات قبلی بدان اشاره شد، جدا می‌شود. و بطور کلی^۱ از تمام عیوب^۲ منزّه^۳ می‌گردد.

شاد باش ای عشقِ خوش سودایِ ما ای طیبِ جمله علّت‌های ما

سودا: یکی از اخلاط چهارگانه (صفرا، سودا، بلغم، خون)^۴ که غلبه آن مورث امراض عصبی و خیال است و بدین مناسبت مالیخولیا^۵ را سودا می‌گویند. خیال غالب بر وجود، معامله و داد و ستد^۶.

منتها این سودا می‌تواند بقیه بیماری‌ها^۷ را معالجه^۸ کند.

۱. تماماً

۲. جمع عیب

۳. پاک

۴. مربوط به طب قدیم است.

5. Melancholy

۶. شرح مثنوی شریف، جزو نخستین، صفحه ۲۸، فروزانفر

7. diseases

8. treatment